



بانک جامع اطلاعاتی صهیونیسم

# هری پاتر

## با نقاب منجی

نویسنده: حامد جدیدی

منبع: راسخون



ویرایش و تنظیم:

بانک جامع اطلاعاتی صهیونیسم

◆◆ [www.zionism.blog.ir](http://www.zionism.blog.ir) ◆◆



## مقدمه

نظام لیبرال دموکراسی غرب برای گسترش حوزه ی تمدن و فرهنگ خود در سطح جهان و تثبیت آن و شکل دهی نظام جهان سازی به سبک غربی ، از ابزارهای مختلف در سطوح گوناگون استفاده می نماید. رسانه و سینما به عنوان ابزاری تأثیرگذار بر مخاطب خود ، این پتانسیل را دارد که اهداف کلان نظام تمدنی غرب را در سطح جهان پیاده نماید. سینما با توان فرهنگ سازی ، ملت سازی و نظام سازی ، توانسته است به بهترین شکل در خدمت نظام لیبرال سرمایه داری غرب باشد. یکی از این مجموعه های سینمایی که چند سالی است ، توانسته نقش موفقی در ارائه ی فرهنگ غرب و جذب مخاطب جهانی داشته باشد ، مجموعه های هری پاتر می باشد. فروش تیراژهای میلیونی کتاب ها و فیلم های این مجموعه ، انواع سایت و وبلاگ ، اجناس تبلیغاتی و ... نشانگر گستره ی تأثیرگذاری این مجموعه در سطح جهان می باشد.

ما با توجه به آیه ی : فبشر عباد - الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه ؛ بررسی مفاهیم ، نمادها ، روش ها ، فرهنگ و القائاتی که توسط این مجموعه ترویج می گردد را با نگاه ارزشی جامعه اسلامی ، در نگاه جهانی سازی غربی مورد بررسی قرار می دهیم ، تا بتوانیم مفاهیم ارزشی و غیر ارزشی آن را شناخته و در حوزه ی تبعیت و پیروی از بهترین آن بهره ببریم.

در این تحلیل و پژوهش ، قصد داریم به سؤالات زیر پاسخ دهیم :

۱ - غربی سازی جهان به چه معنا می باشد و چه اهدافی را دنبال می کند ؟

۲- جایگاه سینما در پروژه ی غربی سازی جهان چگونه است ؟

۳- ارتباط مجموعه ی هری پاتر با روند جهانی سازی غربی به چه شکل می باشد ؟

۴ - چه مفاهیمی در هری پاتر تبلیغ و القاء می شود ؟

۵ - ارتباط و نقش ما در این روند چه خواهد بود ؟

## بخش اول : مفاهیم و تعاریف

### ۱ - غربی سازی جهانی یا وسترنیزیشن :

با رشد علم و تکنولوژی و گسترش آن در سطح جهان و امکان ارتباطات متنوع و سریع درجهان ، کم کم فرضیه ی شکل گیری یک نظام جهانی برای اداره و مدیریت جهان ، در قرن بیستم ، مطرح گردید. هم زمانی مطرح شدن این نظریه در تمدن غرب و تسلط تمدنی غرب بر جهان ، باعث شد ساز و کار این نظام جهانی بر مبنای و اصول حاکم بر تمدن غالب ، یعنی تمدن غرب ، تعریف شود و با سیطره ی اقتصادی این تمدن توانست با ابزارهایی که در دست داشت ، جهانی شدن را به سوی فرهنگ خود سوق دهد. در دوره ای اصل جهانی شدن مورد بحث قرار گرفت و برخی از فرهنگ ها و کشورها به دلیل مشکلاتی که جهانی شدن برای آنها پدید می آورد ، با آن مخالفت نمودند.

پس از تبیین مبانی اصولی و الزامات زمانی جهانی شدن و پذیرش ضرورت آن ، مرحله ای دیگر آغاز شد به نام جهانی سازی ، به این معنا که : با پذیرش این که باید تمام ابعاد نظام و مدیریتی جهان به سمت جهانی شدن برود ، این نظام جهانی بر چه مبنای و اصولی باید شکل گیرد؟ شکل گیری این نظام ، آینده ی بشر را به چه سمتی و با چه اهدافی ، هدایت می نماید؟ این سؤالات و مشابه آن ، از دغدغه های فرهنگ ها ، اقوام ، ملیت ها ، تمدن ها و سازمان های مختلف می باشد که نگران روند و نتیجه جهانی سازی می باشند.

مطرح شدن نظریه کلبه ی دیجیتالی جهان ، نظریه نظم نوین جهانی ، نظریه پایان تاریخ ، نظریه جنگ تمدن ها ، مطرح شدن مکتب لیبرال دموکراسی به عنوان مکتب برتر نظام سیاسی اقتصادی بشر ، شکل گیری شبکه ی جهانی اینترنت ، گسترش شبکه های تلویزیونی و ماهواره ای ، خطوط جهانی تلفن همراه ، تشکیل سازمان های منطقه ای و فرامنطقه ای در حوزه ی تجارت و سیاست ، شکل گیری شورای امنیت و سازمان ملل و... هزاران شکل دیگر از نظام یافتن جامعه ی جهانی شدن جامعه بشری می باشد.

با گذشت زمان مشخص گردید که جهت گیری جهانی شدن به سمت غربی شدن نظام در جهان پیش می رود. یعنی غرب به عنوان تمدن غالب در عصر حاضر و به خاطر داشتن امکانات ، توانایی و ثروت ، تمام تلاش خود را انجام می دهد تا فرهنگ و تمدن خود را بر جهان غالب نماید. در واقع به نام جهانی شدن ، حوزه ی فرهنگ و تمدن خود را گسترش می دهد.

معرفی زبان انگلیسی به عنوان زبان ارتباطات بین المللی ، گسترش نظام تعلیم و تربیت غربی در سطح جهان ، گسترش نظام اقتصادی لیبرالی و هزاران مورد دیگر از فرهنگ و تمدن غرب به عنوان روش و مدل زندگی به جهانیان ارائه می گردد ، تا با نام جهانی شدن ، به شهروند جهانی تمدن غرب تبدیل شوند.

یکی از ابزارهای صدور این فرهنگ و ملت سازی فرهنگی غرب و ارائه ی مدل زندگی غربی ، سینما می باشد. با این مقدمه ی کوتاه درباره ی جهانی سازی غربی و جایگاه فیلم و سینما ، بهتر می توان به بررسی مجموعه های سینمایی پرداخت.

## ۲- لیبرال دموکراسی :

لیبرالیسم ، جهان بینی اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی است که در قرون هفده و هجده میلادی در غرب پدید آمد و در تقابل با مکاتب دیگری مثل مارکسیسم و نازیسم ، به عنوان مکتب پیروز در ابتدای قرن بیستم به قدرت رسید. لیبرالیسم در لغت مشتق از واژه ی Liber به معنای آزادی می باشد. نوع آزادی که در لیبرالیسم مطرح می شود ، آزادی از قید و بندهای دین و احکام الهی می باشد. لیبرالیسم به معنای اصالت اباحه می باشد. اباحه گری و مباح دانستن هر کاری مبنای تفکر لیبرال می باشد. محور نگاه لیبرالی اصلت منفعت با رویکرد اباحه گری می باشد.

مباح دانستن تمام حدود الهی و آزاد کردن انسان از قوانین الهی با رویکرد منفعت محور امانیستی ، ذات لیبرالیسم را تشکیل می دهد. به لحاظ تاریخی لیبرالیسم محصول رنسانس و یکی از ایدئولوژی های تمدن جدید غرب می باشد.

دموکراسی در معنای اصطلاحی آن ، مترادف برقراری نظام قانون گذاری بشری و حاکمیت قانون وضع شده توسط بشر می باشد که به این لحاظ در مقابل نظام حاکمیت قانون الهی یا تئوکراسی قرار می گیرد. دموکراسی حاکمیت را بالاصاله از آن انسان - در تعبیری خودبنیادانه و نه به عنوان مخلوق و خلیفه الهی - دانسته و شأن بشر را نه پیروی از حقایق و تعالیم الهی بلکه سرپیچی از شریعت آسمانی و قانون گذاری خود محورانه می داند. لیبرالیسم ، صورتی از اندیشه دموکراسی است که به لحاظ حقوقی و اجتماعی به نوعی خودگرایی معتقد است. لیبرالیسم شاید اصلی ترین صورت ایدئولوژیک اعراض بشر از دین بوده است. لیبرالیسم در لغت به معنای آزادی خواهی و آزادی طلبی است و لیبرال ها از آزادی ، در واقع نفی قیودات دینی و محرمات مذهبی و اخلاقی و آزادی نفس اماره را طلب می کنند. (۲)

با مطرح شدن مکتب لیبرال دموکراسی به عنوان مکتب برتر برای نظام اجتماعی و اقتصادی بشر ، نظریه ی پایان تاریخ توسط فوکویاما ، یکی از استراتژیست های آمریکا ، مطرح گردید. او در این نظریه مطرح می کند که تاریخ مکاتب انسانی به پایان خود رسیده است و مکتب لیبرال دموکراسی به عنوان کامل ترین مکتب تاریخ بشر ، حرف پایانی برای سعادت بشر می باشد و مردم جهان چاره ای جز پیروی و پذیرش این مکتب را نخواهند داشت. پس از این نظریه ، نظریه ی دیگری به نام جنگ تمدن ها ، توسط « ساموئل هانتینگتون » مطرح گردید. این نظریه اعلام می داشت با ارائه ی مکتب لیبرال دموکراسی به عنوان برترین مکتب برای اداره ی امور بشر ، دیگر تمدن ها و مکاتب یا باید درون این مکتب حل شوند یا در تقابل تمدنی از میان خواهند رفت. با مبنا قرار گرفتن این دو نظریه در تمدن غرب ، هجوم همه جانبه ی فرهنگی ، نظامی ، اقتصادی ، سیاسی و... به تمدن ها و فرهنگ های دیگر شروع گردید. بارزترین تمدنی که در مقابل مکتب لیبرال دموکراسی خودنمایی می کرد ، تمدن اسلام می باشد. تمدن هایی مثل: روسیه ، چین ، هند و کره به نوعی در مقابل این هجوم تمدنی از میدان بیرون شدند و تنها تمدن پا برجا ، تمدن جهان اسلام می باشد .

یکی از روش های غلبه ی تمدن غرب با رویکرد لیبرال دموکراسی ، تهدید نرم و هجوم فرهنگی می باشد. سینما یکی از قوی ترین ابزارهای جنگ نرم در جنگ تمدن ها می باشد. رسانه و سینما با گسترش و تبلیغ مدل زندگی آمریکایی و فرهنگ لیبرال دموکراسی ، نقش کلیدی در استحاله ی تمدنی و فرهنگی دیگر تمدن ها دارد. با این شناخت اجمالی از مکتب لیبرال دموکراسی ، بهتر می توانیم کارکرد مجموعه هایی مثل هری پاتر را باز کاوی نماییم.

## ۳- رسانه :

رسانه به عنوان ابزاری که در تمدن غرب از آن به بهترین شکل استفاده می شود. نقش بسیار مهم و کلیدی در گسترش و نهادینه کردن فرهنگ و تمدن غرب دارد. رسانه ابزاری است که هدفش انتقال پیامد به مخاطب است. این ابزار در طول تاریخ بشر انواع مختلفی داشته است و به مرور با افزایش سطح آگاهی و ارتقاء تمدن بشر، کامل تر و متنوع تر گردیده است. بشر همواره در طول تاریخ، به دنبال ابزاری بوده است تا بتواند افکار، نیت و ذهنیات خود را به مخاطبش انتقال دهد. زبان، طراحی، نقاشی، خط، موسیقی، هنرهای تجسمی، تئاتر، تصویرگری، حرکات و علامت ها و نشانه ها، رادیو، تلفن، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و... همگی ابزارهایی هستند که بشر برای انتقال پیام خود به دیگران، ابداع و اختراع نموده است. این ابداعات و اختراعات، نتیجه ی فکر، تخیل و ذهن بشر می باشد و بشر در طول تاریخ با توجه به نیازهایش آنها را به دست آورده است. رسانه در هر شکل و صورتش در ذات خود خنثی بوده و تنها ابزاری می باشد که پیام فرد را انتقال می دهد و این پیام است که با قبح و حسن خود به رسانه هویت می بخشد. افراط انسان در تبدیل نمودن ذهنیت خود به عینیت، نمی تواند ماهیت و ذات رسانه را تغییر دهد، بلکه این تفکر آدمی می باشد که در قالب رسانه، افراط و تفریط خود را نشان می دهد.

با این وجود تمدن غرب توانسته است با تولید و اختراع رسانه های متنوع، قدرت رسانه ای خود را افزایش دهد و با بهره برداری کامل از پتانسیل رسانه ای خود، سیطره ی فرهنگ و تمدن خود را گسترش و تثبیت نماید. سینما، ماهواره، اینترنت، شبکه های خبری، دوربین، انیمیشن و... بازوان رسانه ای تمدن غرب هستند که از طریق آنها انحصار تمدنی خود را حفظ نموده است. انحصار رسانه ای غرب در این حوزه ها، باعث شده است، هیچ فرهنگ و هویت دیگری نتواند خود را مطرح نماید، به همین دلیل یکی از روش های شکستن این سلطه، از بین بردن انحصار رسانه ای غرب می باشد.

با شناخت ابعاد و ظرفیت های رسانه ای مثل سینما، می توان تحلیل مناسب تری از مجموعه هایی مثل هری پاتر به دست آورد.

## ۴- خرافه :

هر نوع عقیده ی نامعقول و بی اساس در قلمرو خرافات قرار می گیرد. خرافه ریشه در جهل و ترس دارد و بر اثر عدم شناخت صحیح از یک موضوع، همراه با تخیل و توهم شکل می گیرد. ریشه و تاریخچه ی خرافه به قدمت تاریخ بشر می باشد. اساس پیدایش خرافه را می توان همراه با خلقت آدم بررسی نمود. با خلقت آدم، حقایق و مفاهیم الهی که وجود داشت، در معرض فهم آدم قرار گرفت و آدم برای داشتن عقاید و تفکر صحیح و انجام اعمال صحیح نیاز به شناخت صحیح از عالم و موجودات، داشته است.

هدف شیطان از وسوسه و گمراهی آدم، خارج نمودن او از شناخت صحیح و اعمال صحیح نسبت به خداوند و عالم می باشد. شیطان این هدف خود را در قالب خرافه به آدم عرضه نمود و توانست اولین انحراف را در مفاهیم عالم ایجاد کند و اولین خرافه را پدید آورد. خرافه مانند انگلی است که برای ایجاد و حیات خود نیاز به یک بستر میزبان دارد که آن بستر همان حقایق و مفاهیم الهی می باشد. خرافات بر پایه ی این مفاهیم و با استناد به آنها شکل می گیرند ولی در ارائه ی شناخت و روش، ایجاد انحراف می نماید. شیطان نیز در مواجهه ی خود با آدم و حوا در بهشت برزخی و وسوسه ی آنها برای خوردن از درخت ممنوعه از همین روش استفاده نمود. شیطان برای اغوای آدم و حوا به آنها می گوید که اگر از این درخت بخورند، عمر جاودانه خواهند یافت و او به صلاح آنها سخن می گوید.

این روش مبنای ایجاد خرافه است. جاودانگی امری حقیقی می باشد که وجود دارد ، اما آیا برای رسیدن به آن ، باید از میوه ی ممنوعه استفاده کرد؟ بسیاری از خرافات نیز اینگونه می باشند ، حقیقتی مثل: ترس ، نگرانی ، امید ، شفا و... وجود دارند که بشر برای ترک یا رسیدن به آنها باید کاری را انجام دهد ، اما آنچه باعث شکل گیری خرافه می شود ، راهی است که شیطان بر سر راه بشر قرار می دهد تا با انحراف مسیر ، به خواست خود برسد.

بر این اساس خرافه از ابلاغات و روش های شیطان است که برای انحراف انسان ها از حقیقت ایجاد می کند. در قرآن نیز به اقوامی اشاره شده است که به خاطر اعتقادات خرافی که از گذشتگان خود آموخته اند در مقابل پذیرش دین الهی موضع می گیرند.

« و اذا قيل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما الفينا عليه آباءنا اولو كان ابواهم لا يعقلون شيئاً و لا يهتدون ؛ وقتی که به آنها گفته می شود از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید ، می گویند از چیزهایی پیروی می کنیم که پدرانمان را بر آن یافتیم ، آیا اگر چه پدران آنها هیچ عقل نداشتند و راه نیافته بودند، باز هم پیروی می کنند؟! » (۳)

مسئله ی خرافه و خرافه پرستی آنقدر در میان انسان ها گسترش یافت تا جایی که عمده ی رسالت انبیاء ، در بیان شریعت الهی ، زدودن و مبارزه با خرافات شیطان مثل بت پرستی و... تبدیل شد. رسوخ عقاید خرافی میان انسان ها به جایی رسید که در دوران حضرت ابراهیم ، اولین حکومت بت پرست به فرمانروایی نمرود شکل می گیرد و این خرافات تا جایی پیش می رود که به ادعای خدایی نمرود می رسد. خرافه بستر انحراف عقاید بشری می باشد.

اعتقادات خرافه ای مثل جاودانگی به روش های گوناگون ، پیدا کردن قدرت نامحدود و... همگی بستری بودند تا بشر را به سمتی ببرند که برای اولین بار ادعای ربوبیت نماید. باز در عصر حضرت موسی قدرت یافتن سحر و جادو و اعتقادات خرافی پیرامون آن به جایی می رسد که موسی به عنوان یکی از پیامبران الوالعزم ، رسالتش ، مبارزه و براندازی این نوع خرافات می باشد که به مرتبه ی حکومت رسیده است. هم اکنون نیز شیطان و حزبش برای گسترش بی اعتقادی و بی ایمانی در سطح جهان ، در حال گسترش انواع خرافه میان مردم می باشد ، تا به واسطه ی آن قدرت و احاطه ی خداوند را بر عالم ، کم جلوه دهد و برای خود و جنودش قدرت کاذب تعریف نماید. اگر هر نوع خرافه ای را به طور ریشه ای بررسی کنیم ، نوعی انحراف شیطانی در آن می توان یافت.

مجموعه ی هری پاتر در بردارنده ی خرافات بسیاری می باشد و خرافات بسیاری تولید می نماید. شناخت ماهیت خرافه و چگونگی شکل گیری آن ، نقش مهمی در شناخت محتوای مجموعه ی هری پاتر خواهد داشت.

## ۵ - سحر و جادو :

ریشه ی سحر و جادو به زمانی باز می گردد که دو فرشته به نام هاروت و ماروت به زمین آمدند تا با آموزش روش هایی میان زن و مرد ، صلح و آشتی ایجاد نمایند و بنیان خانواده ها را محکم کنند. هاروت و ماروت در حین آموزش این مسائل یادآور شدند که این تعالیم برای امتحان شما می باشد و مراقب باشید که از آن برای اختلاف و فتنه استفاده ننمایید.

پس از تمام شدن رسالت این دو فرشته از جانب خدا ، این علم میان انسان ها باقی ماند و به مرور زمان با وسوسه و انحراف به سمت مقاصد شخصی و فتنه انگیز کشیده شد. با گسترش این فنون در میان مردم و انحراف هدف آن ، تبدیل شد به وسیله ای برای دخل و تصرف در امور عالم.



جادوگران و ساحران با استفاده از فنونی که آموخته بودند از نیروهای طبیعی و ماوراء طبیعی برای مقاصد خود استفاده می نمودند. به مرور با رخنه ی بیشتر شیطان در این موضوع ، سحر و جادو تبدیل شد به ابزاری برای قدرت نمایی ساحران و جادوگران در مقابل اراده و خلقت خداوند. آنها با مؤثر دانستن خود در انجام امور عالم ، برای خود نقشی را در خلقت و اداره ی امور عالم تعریف نمودند. با شکل گیری این انحراف ، شرک و ادعای قادریت در میان انسان ها سازمان یافته تر شد و تبدیل به یک رده ی اجتماعی گردید. پس از تعریف سحر و ساحر ، جادو و جادوگری به عنوان فنونی که بشر می تواند به آنها دست یابد و در امور عالم دخالت نماید ، شرک نسبت به خداوند و قدرت او ، تبدیل شد به یک شغل تعریف شده ، منسجم ، با حوزه ی فعالیت وسیع. در این حالت ، جادوگر به عنوان کسی که قدرت دخل و تصرف در عالم هستی را دارد و می تواند در مخلوقات و افعال عالم هستی دخالت کند، شناخته می شد.

پذیرش این توانایی برای انسان ، تعریف نمودن جایگاهی برای انسان در کنار قدرت بی پایان خداوند می باشد. این تحریف به قدری قدرت و گسترش می یابد که یکی از بزرگ ترین تمدن های بشری در مصر ، بر این پایه شکل می گیرد و رسالت حضرت موسی به عنوان سومین پیامبر اولوالعزم ، از میان بردن این تمدن شیطانی می باشد.

پذیرفتن قدرت سحر و جادو یعنی پذیرفتن نیرویی جز نیروی اراده و قدرت الهی در عالم و این بر شرک استوار است. با این که قرآن به صراحت اعلام می دارد که برای خدا شریک قائل نباشید ، نه در پرستش ، نه در تدبیر امور عالم و نه در قدرت و فعل خداوند ، اما اساس سحر و جادو بر این است که نشان دهد غیر از خداوند ، انسان و شیاطین نیز می توانند در امور عالم تدبیر و تصرف نمایند و این روش شیطان برای انحراف بندگان خداوند می باشد. شیطان با تبلیغ و دامن زدن به سحر و جادو ، تلاش دارد کسی غیر از خداوند را در میان مردم به قادریت و تدبیر امور ، معرفی نماید. به همین دلیل در ادیان الهی به شدت با سحر و جادو مخالفت می شود و با آن مبارزه شده است و اصل و اساس آن را حرام دانسته اند.

در حدیثی از امام علی آمده است: « من تعلم شیئاً من السحر قليلاً او كثيراً فقد كفر و كان آخر عهده بربه وحده ان يقتل الا ان يتوب ؛ هر که چیزی از جادو بیاموزد، کم یا زیاد، کافر است و پایان عهد او با پروردگارش باشد و کیفرش آن است که کشته شود ، مگر توبه کند.» (۴)

این که اصل سحر و جادو وجود دارد و از فنونی است که می توان با آنها بر نیروهای طبیعی و ماوراء طبیعی دست یافت ، شکی نیست ، اما آنچه مهم است ، این است که از این نیروها برای اصلاح امور استفاده گردد نه برای فساد و تباهی امور عالم. یعنی اگر استفاده از فنون سحر و جادو برای صلح میان بندگان خداوند باشد و آن را قدرتی از اراده ی الهی بدانیم که در اختیار بشر قرار داده تا به اصلاح عالم بپردازد ، بدون اشکال می باشد. همان طور که هاروت و ماروت به اذن الهی ، رسالت شان این بود. ولی اگر استفاده از این فنون به این نیت باشد که برخلاف تدبیر الهی و اذن خداوند ، به فساد و تباهی عالم و اختلاف میان مردمان بپردازد و برای خود ، قدرتی در کنار قدرت الهی قائل باشد ، این امر باطل ، شرک و حرام می باشد. اداره ی امور عالم به تدبیر و خواست خداوند می باشد. (۵)

در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که: زندیقی از امام صادق علیه السلام پرسید: منشا جادو چیست؟ و چگونه جادوگر می تواند آن کارهای شگفت را انجام دهد؟ حضرت فرمودند: جادو گونه های مختلفی دارد ؛ گونه ای از آن به منزله ی طبابت است. همان گونه که پزشکان برای هر بیماری و دردی دارویی درست کرده اند ، در علم سحر نیز جادوگران برای هر صحتی ، آفتی برای هر عافیتی ، دردی و رنجی و برای هر کاری چاره ای اندیشیده اند. گونه ای دیگر از آن چشم بندی ، چالاکي ، مهارت و تردستی می باشد. نوع دیگری از آن ، اموری است که جن گیرها از جنیان فرا می گیرند.

نزدیک ترین عقیده درباره ی جادو به واقعیت ، آن است که جادو به منزله ی طبابت است. جادوگر مردی را جادو می کند که نتواند با همسرش ارتباط زناشویی برقرار کند و پزشک می آید و او را از طریق دارو معالجه می کند و بهبود می یابد. (۶)

با این توضیحات مشخص می شود که اگر علم سحر در خدمت اصلاح میان انسان ها باشد و قدرت خود را تحت قدرت خداوند بداند و برای خود بدون اذن الهی ، جایگاهی قائل نباشد ، علمی مفید برای بشر خواهد بود ، ولی اگر علم سحر برای فساد و فتنه میان انسان ها باشد و قدرتش را در مقابل خداوند معرفی نماید و برای خود در تدبیر و تغییر عالم ، سهمی قائل باشد ، عین شرک و کفر می باشد و از وسایل شیطان برای گسترش انحراف می باشد. مجموعه ی هری پاتر اساس و بنیانش بر سحر و جادو قرار گرفته است ، به همین دلیل شناختی اجمالی از ماهیت سحر و جادو برای شناخت رسالت مجموعه هایی مثل هری پاتر ضروری می باشد.

## بخش دوم : بررسی مجموعه ی هری پاتر

### ۱ – هری پاتر و سنگ جادو :

ابتدای شروع هری پاتر با حضور دو جادوگر همراه می باشد. یکی در مرتبه ی پرفسوری و دیگری معلم جادوگری ، آنها برای انجام یک رسالت آمده اند. از همان ابتدا قدرت های جادوگری آنها به نمایش در می آید. به شکل حیوان شدن ، جمع کردن نور چراغ های خیابان ، پرواز در آسمان با موتور سیکلت و... اما مأموریتی که آنها برای انجام آن آمده اند ، بسیار مهم و حساس می باشد. آنها کودکی را همراه خود دارند که باید جانش حفظ شود. این کودک یک بار در مقابل شرورترین جادوگر قرار گرفته و جان سالم به در برده است. این کودک روزی مشهور خواهد شد و تمام دنیا نامش را به خاطر خواهند داشت. آنها برای این که جان این کودک حفظ شود ، او را به دور از محیط اصلی خود آورده اند و قرار است میان انسان های عادی قرار گیرد ، در واقع به نوعی او را در میان انسان ها مخفی می کنند تا زمان مناسب برای رسالت او فرا رسد. این روش دقیقاً روشی است که در تربیت و سیره ی انبیاء الهی و امامان شیعه وجود داشته است. حضرت ابراهیم ، موسی ، عیسی ، پیامبر اسلام و امام زمان علیهم السلام همگی کسانی بوده اند که در کودکی برای حفظ جانشان از خطرات احتمالی ، از محیط خود دور نگاه داشته می شدند و در محیطی امن و مخفی رشد می کردند تا زمان لازم برای بازگرداندن آنها و انجام رسالتشان فرا رسد. حتی این روش را در تاریخ پادشاهان ایران نیز داریم ، کسی مثل فریدون که نجات دهنده ی مردم از دست ضحاک می باشد ، در کودکی از میان جامعه خارج می شود و در کوهستان بزرگ می شود تا جانش حفظ شود .

نکته ی دوم این که این کودک یک جادوگر است که پدر و مادرش نیز جادوگر بوده اند ، و قرار است منجی جادوگران در مقابل جادوگر شرور باشد. به نظر می رسد غرب پس از معرفی منجیان مختلفی مثل: بت من ، سوپر من ، مرد عنکبوتی ، ترمیناتور و... به سراغ منجی های جادوگر سحر رفته است تا آنها را به عنوان نجات دهنده ی بشر از شرارت و بی عدالتی ، معرفی نماید. رساندن سحر و جادو ، ساحر و جادوگر به مرتبه ی منجی و موعود یکی از انحرافات جدید و خطرناک در عقیده ی موعودگرایی و منجی گرایی می باشد. با شناخت ماهیت سحر و جادو و جایگاه ساحر و جادوگر در مقابل خداوند ، چه جایگاهی می توان در حوزه ی منجی گرایی برای جادوگر تعریف نمود؟ آیا جادویی که در مقابل قدرت الهی قرار می گیرد می تواند نجات دهنده ی بشر باشد؟ جادو و سحری که به عنوان منجی قرار است پذیرفته شود ، قصد دارد جهان را از چه چیز حفظ کند؟ چیزی غیر از قدرت خداوند. یعنی سحر و جادوگری به عنوان قدرتی که در مقابل اراده ی الهی تعریف می شود ، تنها رسالتش رهایی بشر از قدرت و قوانین الهی خواهد بود.



آنچه که بشر لیبرال دموکرات امروزی به دنبال آن است: رهایی از هرگونه قانون الهی ، رهایی از حکومت الهی ، رهایی از حکمت ، تدبیر و قدرت الهی.

با شناخت ماهیت سحر و جادو و مبانی لیبرال دموکراسی ، کارکرد هری پاتر مشخص می گردد. هری پاتر منجی ای است که بشر را از سیطره ی قدرت خداوند و قوانین الهی او نجات می دهد ، همان هدفی که لیبرالیسم با شعار دموکراسی انجام می دهد.

نکته ی سوم این است که این کودک در میان انسان هایی گذاشته می شود که در مرتبه ای پایین تر از جادوگران قرار دارند. در واقع جادوگران از نسل و نژاد برتر هستند، به طوری که در قسمت های بعد ، انسان های معمولی که از جادو چیزی نمی دانند را « موگول » خطاب می کنند. اگر یک « ن » به موگول اضافه کنیم ، تبدیل می شود به « مونگول » یعنی عقب افتاده ، افرادی که سحر و جادو نمی دانند و آن را قبول ندارند ، عقب مانده دانسته می شوند و نژاد آنها ، نژادی پست تر دانسته می شود.

این که جادوگران را در مرتبه ای بالاتر از بقیه انسان ها بدانیم ، نوعی نگاه نژاد پرستانه می باشد. جادوگران ، شامل انسان ها ، جنیان و شیاطین می باشند. شکل گیری تفکر نژاد برتر به اشکال مختلف مثل: نازیسم ، آپارتاید ، یهودیت ، صهیونیسم و... همگی همخوان با تفکر شیطان می باشند. چون اولین کسی که ادعای برتری نژادی نمود ، شیطان بود که گفت : من از آتش خلق شده ام و آدم از خاک ، و من در مقابل او سجده نمی کنم. (۷)

در هری پاتر علاوه بر گروه های قبلی که ادعای برتری نژادی داشتند ، گروه جدیدی معرفی می شود ، به نام جادوگران. جادوگران به عنوان منجیان جامعه معرفی می شوند و این تفکر که منجی از نژاد برتر است ، القاء می شود. درحالی که در ادیان الهی که اسلام کامل ترین آن است ، پیامبراسلام به عنوان برترین و والاترین پیامبر و بنده ی خدا ، خود را انسانی مانند دیگر انسان ها می داند که تفاوتش در ارسال وحی به او می باشد و به هیچ عنوان سخنی از برتری نژاد او به میان نمی آید. در مراحل بعدی داستان ، هری به سن یازده سالگی می رسد ، در حالی که شرایط او در خانواده ی خاله اش ، شرایط نامساعدی می باشد. بین او و پسرخاله اش که هم سن و سال می باشند ، تبعیض زیادی دیده می شود.

هری تحت نوعی استعمار رفتاری قرار دارد ، جیگاه خوابش در زیر پله قرار دارد ، مورد آزار پسرخاله اش است ، با او مثل یک خدمت کار رفتار می شود و... تمام این شرایط در فیلم ، به مظلوم نمایی شخصت هری کمک می نماید. مظلوم نمایی ای که در آینده باعث امتیاز گرفتن عاطفی و شخصیتی هری ، از بیننده می شود. این که او به خاطر ظلم هایی که در حقش می شود ، حق دارد انتقام بگیرد یا هر کاری انجام بدهد. این همان روشی است که یهود برای امتیاز گیری به کار می برد ، مظلوم نمایی و کسب امتیاز. پس از آن که هری به سن رشد می رسد ، زمان رفتن او به مدرسه ی جادوگری فرا رسیده است و با دعوت نامه ای که توسط یک جغد برای او می آید ، آماده ی رفتن خواهد شد. ممانعت شوهر خاله اش به عنوان سرپرست او ، در رفتن به مدرسه ی جادوگری ، مشکل ایجاد می نماید. شخصیت پردازی ای که از خانواده ی خاله ی هری ارائه می شود ، جای تأمل دارد. داستان در تمام قسمت ها تلاش می کند ، چهره ای منفور از این خانواده نشان دهد. یک پسر چاق ، لوس و بی ادب ، پدری چاق ، خشن و زورگو و مادری تبعیض گر.

داستان سعی دارد این خانواده را در اوج منفوریت قرار دهد ، تا هنگامی که با رفتن هری به مدرسه ی جادوگری مخالفت می کنند ، مخاطب این ذهنیت را پیدا کند که تنها ، خانواده و افراد منفوری مثل آنها با سحر و جادو مخالفند و آن را قبول ندارند.

با این القاء ذهنی به مخاطب ، او برای این که خود را مثل خانواده ی خاله ی هری نبیند ، به سحر و جادو و آموزش و تأثیرات آن ، ایمان و اعتقاد پیدا می کند. در کنار دامن زدن به نکات منفی این خانواده ، چهره پردازی هری نیز قابل تأمل می باشد. هری چهره ای معصومانه دارد که با یک عینک گرد و موهای لخت در صورت ، یادآور بچه های باهوش و دقیق می باشد. این کارکتر شخصیتی قابلاً در کارتون ها و فیلم ها به عنوان بچه های باهوش و نابغه ، شخصیت سازی شده است. معرفی این کارکتر به عنوان شخصیت باهوش ، نابغه و دقیق ، باعث می شود مخاطبان هری او را راحت تر بپذیرند و تلاش کنند مانند او باشند. خود این شخصیت پردازی باعث جذب کودکان باهوش و نابغه به سمت همزاد پنداری با هری می شود.

هری کودک است که روی پیشانی اش نشانه ای وجود دارد که همه او را با این علامت و نشانه می شناسند. علامت N یادآور رویارویی او با جادوگر شرور می باشد. نشان و علامت داشتن منجی یکی از مبانی فرهنگ دینی - الهی می باشد که غالب پیامبران و امامان آن را دارا بوده اند. نشان نبوت میان دو کتف پیامبر ، نشانه هایی که برای حضرت ولی عصر (عج) گفته شده است و... همگی از این مقوله می باشند. در هری پاتر نیز این فرهنگ مورد استفاده قرار گرفته است و تلاش می شود که در ذهن مخاطب این القاء صورت گیرد که داشتن نشان خاص نبوت و امامت مختص به ادیان الهی نبوده و شیاطین و جادوگران نیز این ویژگی را دارند. هر چند برای کسانی مثل دجال و سفیانی نیز علائم و نشانه هایی در چهره ی آنها گفته شده ، اما داشتن نشان نبوت ، امامت و منجی بودن بسیار متفاوت می باشد. با نهادینه شدن این برداشت از علائم و نشانه های اولیاء الهی در ذهن مردم ، ذهنیتی که نسبت به این علائم و نشانه ها ایجاد می گردد ، باعث خواهد شد دیگر آن را جزء نشانه هایی برای شناخت منجی قلمداد نکنند و این نوعی تحریف در مفهوم نشانه ها و علائم نبوت و منجی گرایی ادیان الهی ایجاد می کند.

نوع نگاه به خانواده در مجموعه ی هری پاتر ، بسیار جای تأمل دارد. هری به عنوان قهرمان داستان نه پدری دارد و نه مادری. او کودک یتیمی است که به عنوان فرزند خوانده در خانواده ی خاله اش بزرگ می شود. تنها خانواده ای که در مجموعه ی هری پاتر معرفی می شود ، همین خانواده است که در حد منفورتترین خانواده قرار می گیرد. دیگر خانواده ها ، خانواده ی جادوگران هستند که پدر و مادر و فرزندان همگی جادوگر می باشند. پس جایگاه خانواده در هری پاتر کاملاً ضعیف می باشد. مخاطبی که تحت تأثیر داستان هری پاتر قرار می گیرد ، هیچ مفهومی را از خانواده درک نخواهد کرد و برای خانواده هیچ جایگاهی را تعریف نخواهد کرد. این اساس فروپاشی خانواده در غرب می باشد که پیامدش فروپاشی اخلاق ، ارزش ها، نسل و جامعه خواهد بود. خانواده برای مخاطب هری پاتر زمانی مفهوم پیدا می کند که یک خانواده ی جادوگر باشد ، یا این که سحر و جادو را قبول داشته باشد.

هری پاتر توسط هاگرید ، محافظ و نگهبان مدرسه ی جادوگری که یک جن می باشد ، برای خرید وسایل مورد نیازش به بازار جادوگران برده می شود. در طول این قسمت ، تمام وسایل مورد نیاز جادوگری و روش ها و مقدمات آن به هری آموزش داده می شود و بالطبع مخاطب نیز کاملاً با آن آشنا می شود. این قسمت یک کلاس آموزش مقدمات جادوگری برای تمام مخاطبان کوچک و بزرگ مجموعه ی هری پاتر می باشد. هری و هاگرید برای این که به بازار فروش وسایل جادوگری بروند ، وارد یک خانه می شوند و با ورود به این خانه آنها از تونل زمان می گذرند و به گذشته راه پیدا می کنند. گذشتن از زمان یکی از مفاهیمی است که در هری پاتر تبیین می شود. گذر از زمان یکی از مفاهیم بنیادی فیزیک کوانتوم می باشد که غرب در تلاش است به آن دست یابد. تسلط بر زمان و به دست آوردن محوریت زمان ، هدفی است که در غرب دنبال می شود و در بسیاری از مجموعه های سینمایی به آن پرداخته می شود.

آنچه مهم است این که چنین مفاهیم پایه و عمیقی در مجموعه هایی مثل هری پاتر برای کودکان ارائه می شود ، تا ذهن کودک با این نوع نگاه آشنا شود و به دنبال آن باشد ، هرچند که ممکن است این هدف اشتباه باشد.

هری با گذشتن از زمان به دوره ی قرون وسطای لندن وارد می شود و به بازار مخصوص جادوگران می رود. اصل ارائه ی داستان هری پاتر با تمام ابعاد سحر و جادوگری که دارد ، در سرزمین انگلستان ، قابل تأمل است. این که برای خرید وسایل جادوگری و رفتن به مدرسه ی جادوگری به لندن قرون وسطی می رود نیز قابل بررسی می باشد. چه ارتباطی میان انگلستان ، قرون وسطی ، جادوگری و آموزش و گسترش آن وجود دارد؟

با وارد شدن هری به بازار جادوگران ، افراد زیادی را می بینید که در این بازار به دنبال وسایل جادوگری می باشند. آنچه برای اولین بار در هری پاتر مطرح می شود ، معرفی جادوگری سازمان یافته با نظام اجتماعی گسترده می باشد. ارائه ی عناوینی مانند وزارت جادوگری ، مدرسه جادوگری ، خانواده ی جادوگر، اساتید جادوگری، انواع سحر و جادو ، وسایل جادوگری ، بازار و مغازه های فروش وسایل جادوگری ، بانک جادوگران و... می باشد که تعریف کردن چنین مراتب اجتماعی و سازمانی برای مفهوم سحر و جادو چه هدفی خواهد داشت؟ سحر و جادو در طول تاریخ میان افرادی خاص به صورت مخفیانه آموزش داده می شده و جادوگران همیشه در سطح پایینی از جایگاه اجتماعی بوده و مورد نفرت و دشمنی مردم قرار داشته اند.

این که در اروپای قرون وسطی جادوگران را می سوزانده اند ، نشانه ی همین منفوریت اجتماعی می باشد. حال ما با مجموعه ای روبرو شده ایم که برای جادوگری رده های اجتماعی مختلف و سازمان یافته با جایگاه پذیرفته شده ی اجتماعی ، تعریف می کند. این که مخاطب ببیند و بپذیرد که برای جادوگری وزارت خانه ، مدرسه ، استاد و خانواده تعریف شده است ، برای وسایل جادوگری بازار و بانک ایجاد شده است ، تعریف این نظام های اجتماعی برای سحر و جادو چه ذهنیتی برای مخاطب ایجاد خواهد نمود؟ همان گونه که در بخش قبل پیرامون سحر و جادوگری تعاریفی ارائه شد ، سحر و جادو و پذیرش آن ، نشأت گرفته از شرک و کفر نسبت به وجود خداوند و قدرت و تدبیر او می باشد. حال وقتی مخاطب نسبت به سحر و جادو ، برداشت هری پاتری داشته باشد ، چه نوع شرک و کفری را خواهد پذیرفت. شاید بتوان گفت: شرک و کفر سازمان یافته و نظام یافته ی اجتماعی . شاید هری پاتر اشاره ای به مدیریت سازمان یافته ی شیطان در گسترش شرک ، کفر و بی ایمانی در جهان دارد.

نکته ی دیگری که در هری پاتر موضوعیت دارد ، تقسیم جادوگران به خوب و بد می باشد. جادوگران شروری که به دنبال از بین بردن جادوگران خوب هستند. این که مقابله ی بین خیر و شر همیشه در ادوار مختلف بشر بوده است ، یک اصل حقیقی بوده است ، اما این که طرفین این جبهه را از جادوگران بدانیم و دنیایی تعریف کنیم که اهل شر و خیرش هر دو از طیف جادوگران و ساحران باشند ، جای سؤال دارد. در این تقسیم بندی هیچ جایی برای خدا ، پیامبران ، مؤمنان و اهل حق تعریف نمی شود. اصلاً هیچ جایی برای دین الهی وجود ندارد. دنیای هری پاتر ، دنیای بدون خدا ، دین و پیامبر است. همان رسالتی که مکتب لیبرال دموکراسی به دنبال آن می باشد. دنیای سکولار و بی دین. جادوگران خوب به عنوان اهل حق تلقی شده و تلاش می شود آنها را در جبهه ی مقابل جادوگران شرور و اهل باطل قرار دهند و جنگ میان حق و باطل را محدود به تقابل بین جادوگران خوب و بد ، تعریف نمایند. این که مفهومی به نام جادوگر خوب شکل می گیرد و مخاطب می پذیرد ، سحر و جادو می تواند بدون حضور و اذن الهی ، خوب و حق باشد ، یکی دیگر از تحریفات اساسی در هری پاتر است.

هنگامی که مخاطب برای سحر و جادو ، بدون اذن الهی و در مقابل قدرت الهی ، حقانیت قائل باشد ، مقدمات شرک و مقابله با خدا ، فراهم شده است. مجموعه ی هری پاتر ، بمباران ذهن مخاطب به وسیله ی سحر و جادوگری است.

مخاطب هری پاتر آنقدر جادوهای مختلف و متنوع می بیند که برای سحر و جادو اصالت قائل می شود و آن را می پذیرد. این اولین گام شیطان است: باور کردن . هرگاه انسان چیزی غیر از خداوند را باور کند و بپذیرد ، بستری مهیا می شود برای انحراف و طغیان های دیگر. این روش یکی از روش ها و استراتژی های شیطان است که انسان را در حوزه های مختلف مورد حمله قرار می دهد و آنقدر تلاش می کند تا این که باورهای الهی انسان تغییر کند. به محض تغییر باور انسان نسبت به موضوعی الهی ، اولین شبهات تبدیل به اعتقاد می شوند. به مرور زمان با گسترش اعتقاداتی که براساس شبهه شکل گرفته است ، انسان تبدیل به فرد طغیان گر و عاصی می شود که با باور و اعتقاد در مقابل خدا و دین الهی قرار می گیرد. این که انسان از تکبر به ادعای ربوبیت می رسد و یا از پذیرفتن تخم مرغ دزدی به خاطر فقر ، به شتر دزدی می رسد ، از همین روش شیطان حکایت می کند.

حیطه ی قدرت و اراده ی خداوند در جمله ی: « لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم » مشخص شده است که هیچ اراده و قدرتی نیست مگر از جانب خداوند بلند مرتبه و بزرگ. حال با این مبنا برای قدرت الهی ، چه جایگاهی برای سحر و جادو می توان قائل شد؟ آیا پذیرش سحر و جادو و عمل به آن ، زیر سؤال بردن قدرت و تدبیر و اراده ی خداوند نیست؟ هری پاتر با دریایی از انواع سحر و جادو ، ذهن مخاطب را به کدام سو سوق می دهد؟ آیا نمی توان پذیرفت مجموعه ای مثل هری پاتر ، با این سطح تبلیغات و تکثیر جهانی ، در راستای گسترش سحر و جادو و شرک ، تحت مدیریت شیطان و حزیش ، برای خارج کردن بندگان خدا از بندگی خداوند می باشد؟

نمادها و فضاها ی موجود در هری پاتر نیز قابل بررسی می باشد. شباهت شنل جادوگری به عبا ی مسلمانان ، شباهت مدرسه ی جادوگری به معماری قرون وسطی ، سلسله مراتب اساتید مدرسه و سطوح دانش آموزان همراه با نوع لباس ها و شکل سازمانی مدرسه و قوانین آن و شباهت های آنها با تشکیلات فراماسونری ، علامت صندلی جادوگر بزرگ ، نوع معماری مدرسه و کل مجموعه و بنای آن با سنگ و نماد سنگ در تفکر ماسونی.

دیدن ارواح ، پرواز کردن ، غیب شدن و این گونه موارد در هری پاتر ، نوعی شناخت و شهود نسبت به عالم غیب به مخاطب می دهد. هری پاتر تلاش می کند گستره ی عالم غیب را به دیدن ارواح و غیب شدن از دید دیگران محدود نماید. این که مخاطب جهانی، عالم غیب را بپذیرد و ذهنیت خاص و خط دهی شده ی مادی نسبت به آن پیدا کند ، باعث می شود اصل عالم غیب و ابعاد آن مورد غفلت واقع شود. در واقع آنچه بشرهمواره به آن نیاز داشته است ، اعتقاد به غیب و امور غیبی می باشد که شامل خداوند ، عوالم مجردات ، فرشتگان ، امام غایب ، جنیان ، امدادهای غیبی و الهی ، کرامات اولیاء الهی و... می باشد. انسان با اعتقاد به این نوع از امور غیبی به خداوند ایمان خواهد داشت. یعنی شرط ایمان آن است که بدون آن که حقایق پشت پرده و عوالم غیبی را ببیند ، به خداوند و قدرت او ایمان بیاورد.

حال اگر انسان بپذیرد که غیب و عوالم غیبی را دیده است و آنچه دیده ، خالی از خداوند و مفاهیم الهی بوده است ، آیا می تواند به خدا اعتقاد داشته باشد؟ آیا انسان می تواند مطمئن شود ، هرآنچه از غیب و عوالم غیبی است ، دیده و می داند؟ آیا عوالم غیبی را می توان به راحتی دید؟ آیا لازمه ی دیدن و اشراف داشتن نسبت به عوالم غیب و حقانیت آن ، طهارت ، شهود و اشراف نمی باشد؟

آنچه هری پاتر از غیب و عوالم آن نشان می دهد نوعی انحراف در شناخت و نحوه ی شهود عالم غیب می باشد. محدود کردن عالم غیب به جنیان و ارواح ، محدود کردن امدادهای غیبی به پرواز کردن و غیب شدن و موارد دیگری که نوعی محدودیت برای عالم غیب می باشد ، نگاهی را به مخاطب می دهد که غیراز آن را نمی پذیرد و برای پذیرش عالم غیب باید آن را با حواس طبیعی ، حس نماید. یعنی مخاطب یاد می گیرد که برای پذیرش وجود روح یا جن یا امکان پرواز بشر بدون وسایل امروزی ، باید حتماً آن را با چشم ببیند. این استحاله ی بزرگ مفهومی در ذهن مخاطب هری پاتر است که در مورد عالم غیب ایجاد می گردد.

یکی دیگر از مباحثی که در هری پاتر خود را نشان می دهد ، نشان دادن فضای مجازی به شکل واقعی می باشد. در ابتدای ورود دانش آموزان به سالن مدرسه ، سقف سالن ، آسمان شب را نشان می دهد ، که چشم تمام دانش آموزان را خیره می کند ولی مشخص می شود که این آسمان حقیقی نیست بلکه سقف مدرسه است که به صورت مجازی به شکل آسمان دیده می شود. و یا هنگامی که دانش آموزان می خواهند شام میل کنند ، روی میزها چیزی دیده نمی شود ولی با اشاره ی استاد جادوگری میزها پرمی شود از انواع غذاها و میوه ها. اگر این را سحر و جادو بدانیم ، آیا غذاها و میوه ها حقیقی هستند یا مجازی؟ آیا بچه ها تصور می کنند که در حال خوردن هستند یا واقعاً چیزی می خورند؟ آیا می توان غذایی مجازی ایجاد کرد که به شکل حقیقی باشد و انسان با تصور خوردن آن سیرشود؟ آنچه در هری پاتر دیده می شود ، امکان این مسأله را تأیید می کند. آشنا کردن ذهن انسان با مفاهیم مجازی و غیر واقعی و پذیرفتن آن به عنوان حقیقت ، چه انحرافی در درک انسان از حقیقت ایجاد می کند؟ این فضایی می باشد که مجموعه هایی مثل هری پاتر و عوالم مجازی رسانه ، برای بشر ایجاد خواهد نمود.

نکته ی دیگری که در هری پاتر دیده می شود ، همراه بودن یک دختر در کنار هری می باشد. روشی قدیمی که در بسیاری از تولیدات رسانه ای غرب بر مبنای تفکر فروید ، وجود دارد. همیشه در کنار پسر شجاع ، یک دختر شجاع نیز حضور دارد. همیشه در کنار پسر قهرمان ، دختری وجود دارد که او را دوست دارد و به او کمک می کند. این مبنای شکل گیری ذهنیت رابطه ی دختر و پسر به طور نامشروع می باشد. این رابطه در قسمت های بعد ، ابعاد اصلی خود را نشان می دهد. با پذیرش این رابطه از طرف مخاطب ، همین الگوی رفتاری در زندگی اجتماعی و تبادلات رفتاری او ایجاد می شود. موارد این نوع شخصیت پردازی ، در تولیدات رسانه ای بسیار زیاد می باشد و می توان در تحقیق جداگانه ای آن را بررسی نمود و از نظر تربیتی و روان شناسی به آن پرداخت.

در این قسمت از هری پاتر ، بازی ای معرفی می شود به نام « کوییدیچ » که بسیار شبیه به فوتبال می باشد. دو تیم با اعضاء مشخص ، توپ ، گل ، زمین بازی و تماشاچی ها ، همگی یادآور بازی رسمی نژاد انگلوساکسون می باشد ، که امروزه به عنوان یک بازی جهانی برای تمام مردم جهان رسمیت یافته است. فوتبال به عنوان ورزش اصلی انگلوساکسون ها ، دارای نماد ها و قواعد خاص خود می باشد. انگلوساکسون ها به عنوان انسان های طراز اول تمدن غرب ، برای سیطره ی تمدنی خود بر جهان و غربی سازی جامعه ی جهانی ، تمام ظرفیت های تمدنی خود را به عنوان الگو و فرهنگ ، برای جامعه ی بشری دیکته می کنند. یکی از حوزه هایی که جهان به آن می پردازد ، ورزش می باشد که تمدن غرب برای این حوزه از فرهنگ جهان نیز ، ورزش اختصاصی خود را به جهان معرفی می نماید و با برگزاری جام های مختلف در سطح شهر ، استان ، کشور ، منطقه ، قاره و بین قاره ای این ورزش را به عنوان اصلی ترین و پرطرفدارترین ورزش جهان ، شکل داده است ، به گونه ای که برای هیچ کس قابل تصور نیست که این ورزش را به عنوان ورزش اصلی کشور خود قلمداد نکند و تیم ملی فوتبال نداشته باشد. بحث سیطره ی فوتبال بر ورزش جهان به عنوان ورزش اختصاصی نژاد انگلوساکسون و تمدن غرب ، جای تأمل بیشتری دارد که یکی از مؤلفه های غربی سازی جهان می باشد.



ولی آنچه به نظر می رسد ، نژاد آنگلوساکسون برای سیطره ی جهانی خود در حوزه ی سحر و جادو و عوالم غیبی نیز ورزشی را طراحی کرده اند تا بشر نیاز به تولید تمدنی بومی نداشته باشد و هر آن چه تمدن غرب برایش دیکته می کند ، بپذیرد. دقت در شیوه ی بازی کوئیدج و مراحل آن از سطح مسابقات مدرسه ای تا برگزاری جام جهانی آن ، دقیقاً تداعی کننده ی تب امروز فوتبال جهان می باشد.

یکی از مقولاتی که در هری پاتر مطرح می گردد ، غیب شدن به وسیله ی شنل مخصوص یا معجون می باشد. غیب شدن یا نامرئی شدن ، یکی از آرزوهای بشر می باشد که به روش های مختلف تلاش کرده تا به آن دست یابد. زمانی با علم و تکنولوژی به دنبال رسیدن به این آرزو بود و زمانی آن را به وسیله ی فنون سحر و جادو ، طلب می نمود. این مسئله در فیلم ها و کارتون های مختلفی ارائه می گردد و ذهن مخاطب را درگیر می سازد. آنچه در هری پاتر ارائه می شود ، استفاده از یک وسیله ی مادی و محسوس است که به واسطه ی آن ، فرد نامرئی می گردد. این که ذهن مخاطب این را بپذیرد که غیب شدن به وسیله ی یک شنل یا با خوردن یک معجون و یا امثال این ممکن است ، نتیجه اش زیرسؤال رفتن عوامل غیبی و الهی و اراده ی الهی در انجام این عمل می باشد.

در عالم واقع ، غیب شدن حضرت مسیح و امام زمان (عج) و دیگر بزرگان الهی ، به واسطه ی قدرت و اراده ی الهی می باشد و امری از امور عالم غیب است. مجموعه هایی مثل هری پاتر ، ذهن مخاطب را نسبت به یک پدیده ی حقیقی و الهی دچار تحریف می نمایند و بدون شک این تحریف ، در ذهن انسان ها نهادینه می شود و هنگامی که با واقعیت این پدیده ها روبرو می شوند ، برداشت آنها به جای پذیرش و تسلیم در مقابل حقیقت و اراده الهی ، برداشت خرافی و انحرافی از آن خواهد بود. در واقع با این عمل تأثیر معجزات و کرامات الهی در میان مردم ، به خاطر ذهنیتی که در آنها شکل گرفته است کم خواهد شد. هری پاتر سعی دارد یک « عالم غیب سکیولاریته » ایجاد نماید.

یکی دیگر از مقولاتی که در هری پاتر قابل بررسی می باشد ، ملاقات های مدیر مدرسه ی جادوگری با هری پاتر است. مباحث فلسفی که به زبان کودکان در این ملاقات ها بیان می شود ، جای دقت نظر دارد. باید دقت داشت که چه نوع مشرب فلسفی به زبان کودکان در حال انتقال به مخاطب جهانی هری پاتر می باشد. با کمی دقت در چهره ی مدیر مدرسه جادوگری ، پروفیسور دامبلدور ، و شباهت او به خاخام های یهود ، می توان فهمید ، فلسفه و مباحث کلامی مطرح شده در هری پاتر از چه مشربی سرچشمه می گیرد.

خرافه در تمام داستان هری پاتر موج می زند. روش هایی که برای به دست آوردن عمر جاودان ارائه می گردد ، یکی از آنها می باشد. شخصیت پردازی که برای شیاطین در هری پاتر ارائه می گردد ، بسیار قابل توجه می باشد. شیاطین ، کارمندان بانک جادوگران می باشند. به تصویر کشیدن شیاطین و تعریف شغل سازمانی برای آنها در زنجیره ی جادوگری از نکاتی است که قابل توجه می باشد.

هری پاتر با گذراندن مراحل مختلف و سخت به کمک دوستان خود ، در نهایت به تنهایی به مرحله ی آخر می رسد و برای به دست آوردن سنگ جادو اقدام می نماید. او در آنجا یکی از اساتید مدرسه را می بیند ، استادی که به جادوگران خوب ، خیانت کرده و در خدمت جادوگر شرور بوده است. این معلم جادوگری ، روی سرش عمامه ای دارد که کاملاً شبیه عمامه ی علمای شیعه می باشد و حتی حالت تحت الحنک آن را نیز رعایت نموده است. پس از باز نمودن عمامه ، در پشت سرش چهره ای دیگر دیده می شود که همان جادوگر شرور می باشد. به این ترتیب به مخاطب القاء می شود که فکر و ذهن این معلم در اختیار جادوگر شرور می باشد و آن را زیر عمامه اش پنهان نموده است. نشان دادن معلم جادوگر با عمامه و دو چهره داشتن و شباهت عمامه اش به عمامه ی علمای شیعه ، جای دقت نظر دارد. بی شک این انتخاب ظاهر ، تصادفی نمی باشد.



مجموعه ی هری پاتر مملو از تبدیل شدن انسان به حیوان و حیوان به انسان است. انسانی که گرگ می شود ، موش می شود ، سگ می شود ، دم در می آورد و... تمام این جادوها ریشه در نظریه ی داروین دارد. داروین به عنوان یک زیست شناس تجربی ، نظریه ی تکامل را ارائه داد و با حمایت فراماسون ها و یهودیان ، این نظریه گسترش پیدا کرد.

بر اساس این نظریه ، انسان برای انسان شدنش دوره ی تکاملی زیستی را طی نموده است. داروین اعتقاد دارد که در ابتدا دنیا لجن بوده است و از لجن کرم به وجود آمده است ، سپس کرم در طول سالیان دراز تبدیل به قورباغه شده است. پس از میلیون ها سال قورباغه تبدیل به میمون شده است و میمون به شکل « انسان نئاندرتال » (Homo neanderthalensis) تکامل یافته و انسان ناندرتال به انسان امروزی تبدیل شده است. او اعتقاد دارد که بسیاری از موجودات در طول هزاران سال به شکل امروزی خود تبدیل شده اند. با پذیرش این نظریه ، مسأله ی خلقت و خالقیت خداوند منتفی خواهد بود و جهان در نگاه داروینیسم ، پس از انفجار بزرگ ، به سمت تکامل خود پیش می رود ، بدون آن که خداوند در آن دخالتی داشته باشد. در حالی که بر اساس مبانی تفکر الهی: « لا مؤثر فی الوجود الا الله » هیچ موجودی نیست الا آن که خداوند در آن مؤثر بوده و تنها نقش وجودی آن را ایفا می کند. جهان، باقی به وجه خداوند است و اگر لحظه ای فیض وجود خداوند از جهان قطع شود ، هیچ چیز وجود نخواهد داشت و معدوم می شود. برخلاف نگاه یهود به حضور خداوند که اعتقاد دارد: خداوند جهان را خلق نمود و سپس آن را به حال خود رها کرد و دستان خداوند برای نگه داشتن جهان و تسلط بر آن بسته است. تفکر داروینی از نوع نگاه یهودی به قدرت الهی سرچشمه می گیرد.

با پذیرش نظریه ی تکاملی داروین ، می توان پذیرفت که انسان ها می توانند به مرور زمان به حیوان تبدیل شوند و یا حیوانات دیگر بر اثر نیاز حیات خود ، می توانند به انسان تبدیل شوند و سحر و جادو به عنوان یک مسیر سریع این تکامل را ایجاد می کند. بسیاری از کتب آموزشی در سراسر جهان از این نظریه پیروی می کنند و نظریه ی الحادی داروین را تبلیغ می کنند.

در بسیاری از کارتون ها و فیلم ها نیز این نظریه ارائه می گردد. فیلم هایی که نشان می دهند انسان ها ، روزها انسان هستند و شب ها تبدیل به حیوان دیگری می شوند، یا کارتون هایی که نشان می دهند یک حیوان برخلاف واقعیت وجودی خود پرواز می کند یا در خشکی راه می رود. کارتون هایی مثل دامبو فیل پرده و ... همگی بر مبنای نظریه ی الحادی داروین ساخته می شوند. نظریه ی داروین اصل خالقیت و قادریت خداوند را زیر سؤال می برد و بیان می دارد که خداوند نمی تواند موجودات را به شکل کامل خود خلق نماید و خلق نکرده است. در حالی که قدرت خداوند به گونه ای است که هر گاه اراده اش به وجود چیزی قرار گیرد ، می گوید باش ، پس می شود. حال این سطح از قدرت خداوند در کجای نظریه ی داروین وجود دارد؟ در واقع نظریه ی داروین و کسانی که آن را گسترش و تأیید می کنند ، برای قدرت خداوند حد و مرز قائل می شوند و اراده و توان خداوند را زیر سؤال می برند که این نوع نگاه ریشه در شرک به وجود خداوند و صفات او دارد.

نکته ی دیگر در هری پاتر ، کثرت نام های شیاطین ، جادوگران ، ساحران ، انواع جادو ، جنیان شرور ، وردهای جادوگری و... می باشد. برخی نام ها بسیار زیاد تکرار می شود ، مثل: جادو ، جادوی سیاه ، جادوگر ، دامبلدور ، ولدمورت ، جادوگر شرور ، هاگوارتس ، هری پاتر ، انواع وردهای جادوگر .هرنام و آوایی دارای معنا و مفهوم خاصی می باشد که بین لفظ و معنا ارتباط مفهومی و هویتی برقرار می باشد.

برخی از کلمات دارای معنایی با بار ارزشی مثبت ، برخی دارای بار معنایی منفی و برخی خنثی می باشند.

یعنی کلام و آوا در ذات خود حامل ارزش و نورانیت یا ضد ارزش و ظلمانیت می باشد و گاهی نیز کلام لغو و بیهوده است و بار ارزشی خاصی را انتقال نمی دهد. به طور مثال اسماء الهی ، اذکار ، تسبیح خداوند ، اسماء پیامبران و اولیاء الهی ، همگی دارای بار معنایی مثبت و نورانی می باشند.

در تعالیم دینی نیز به این توجه شده است و سفارش به گفتن ذکرهای خاص برای محل های خاص شده است و یا با گفتن ذکرهای خاص ، اثری خاص حاصل می گردد ، یعنی ذکر و لفظ در ذات خود حامل هویتی است که با گفتن لفظ ، انتقال ماهیتی در محیط ایجاد می گردد. اخیراً نیز یکی از دانشمندان ژاپنی تأثیر اسماء الهی را بر ساختار مولکولی آب بررسی نموده است که بر اثر آن ، ساختار مولکولی آب منظم و زیبا می گردد.

همین مطلب را در سفارش دین به هدر نرفتن آب وضو داریم. درمقابل این انتقال بار معنایی مثبت و نورانی ، الفاظ و کلماتی نیز وجود دارند که دارای بار معنایی و ارزشی منفی و ظلمانی در ذات خود هستند. سفارش دین به پرهیز از دروغ ، غیبت ، تهمت ، دو بهم زنی ، کلمات رکیک ، تمسخر ، ناسزا و کلمات لغو ، بر همین اساس می باشد. این گونه کلمات در ذات خود دارای ظلمت و تاریکی هستند و به محض گفتن آنها ، ظلمت و تاریکی به گوینده و شنونده انتقال داده می شود. نام های شیاطین و... همگی به دلیل این که ذات آنها در تعارض با خداوند و قادریت و تدبیر الهی می باشد ، دارای تاریکی و ظلمت می باشند.

به همین دلیل است که در ابتدای تلاوت قرآن از ظلمت و شر شیطان به خداوند پناه می بریم. در عمل نیز می توان این را مشاهده نمود که کسانی که اهل فساد ، ظلم و فسق هستند ، از چهره ای تاریک برخوردارند و ظلمت آنها چهره شان را فرا گرفته است. قرآن کریم در مورد چنین افرادی می فرماید: « یعرف المجرمون بسیماهم »؛ مجرمان با چهره شان شناخته می شوند». (۸)

کسانی که اهل تقوی و بندگی خداوند می باشند ، دارای نورانیت چهره هستند. همان گونه که خداوند در قرآن می فرماید: « الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور » ؛ خداوند سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند و خارج می کند آنها را از ظلمت به سوی نور». (۹)

طاغوت چیزی جز شیطان ، حزب او و روش ها و ابزارهای او نمی باشد. این تجربه را نیز می توان در مورد هری پاتر اثبات نمود ، که با دیدن تمام قسمت های این مجموعه ، بدون توجه دادن دل به سمت خداوند ، ظلمت و تاریکی بر ذهن و دل انسان احاطه پیدا می کند.

در پایان قسمت اول هری پاتر ، بچه ها باید به خانه هایشان بازگردند. آنها می گویند: قلباً به خانه نمی رویم ، بلکه قلب و دل ما در مدرسه ی جادوگری می ماند. این که پس از یک دوره ی آموزشی چند ماهه ، بچه ها نسبت به مدرسه ی جادوگری چنین علقه ای داشته باشند و نسبت به خانه و خانواده بی تمایل باشند ، نقش خانواده را در ذهن مخاطب کم رنگ و بی ارزش خواهد کرد. اصل این که در سن کودکی و نوجوانی ، باید کودکان را به دور از خانواده و تبادلات پدر و مادر با او ، در یک مدرسه ی شبانه روزی قرار داد ، جای تأمل دارد.

## هری پاتر و تالار اسرار :

در این قسمت از هری پاتر ، علاوه بر کلیاتی که در تحلیل و بررسی قسمت اول به آن اشاره شد ، مباحث جدیدی مطرح می گردد. در ابتدای این قسمت هنگامی که هری هنوز به مدرسه ی جادوگری نرفته است ، به صراحت می گوید که: من به اینجا تعلق ندارم و باید به مدرسه ی جادوگری بروم. هم چنین اشاره به داشتن خون اصیل برای ورود به مدرسه جادوگری ، رگه های نژاد پرستی را در مجموعه ی هری پاتر یادآور می شود. در این قسمت در اطراف زمین بازی کوییدیچ به وضوح نمادهای « اَبلیسک » ، که از نمادهای شیطان پرستان می باشد دیده می شود. نمادهایی چون شیر ، عقاب ، شمعدان چند شاخه ، ستاره های یهود در فرش آبی دوئل و پنجره های مدرسه ، دیده می شوند. خوردن معجون شبیه به آشغال یادآور مراسمات شیطان پرستان و خوردن فضولات می باشد که نحوه ی خوردن آن شباهت به مشروب خوردن دارد. تبدیل شدن انسانی به شکل انسان دیگر و یا به شکل حیوانات از مقولات شبیه سازی انسان و نگاه داروینی به انسان می باشد. بحث گذر از زمان و رفتن به گذشته و تغییر دادن حوادث نیز در این قسمت به آن پرداخته شده است. این قسمت هری پاتر ، تکرار روند قبلی می باشد و کمی تنوع جادوهای آن افزایش یافته و ترس و وحشت نیز به آن افزوده شده است. از نمادها به شکل واضح تری استفاده می شود و مفاهیم فلسفی به مخاطب القاء می شود. هری پاتر در این قسمت نیز مدرسه را نجات می دهد و یک قدم به منجی بودن نزدیک تر می شود. این قسمت تلاش می شود مخاطب را به اوج هیجان و بهت زدگی برساند و در کنار ترس و وحشت ، فضای متنوعی را ایجاد نماید .

## هری پاتر و زندانی آزکابان :

در این قسمت علاوه بر مطالب قسمت های قبل ، به تاریخ مصر و جادوگری در آنجا اشاره می شود و همین طور به پرستش گریه در مصر باستان. در اینجا می توان ارتباط میان مصر باستان و انحرافات آن دوره ، شرک و جادوگری که در آن سرزمین حاکم بوده را با تشکیلات فراماسونری ، شیطان پرستی و آیین کابالا متوجه شد.

استفاده از نماد جغد در هری پاتر نیز جای بررسی و دقت دارد ، این که جغد سمبل چه فرهنگ و مفاهیمی می باشد و به چه دلیل از آن استفاده می گردد؟ بحث زمان و تسلط بر زمان به شکل جدی تری مطرح می گردد و با نگه داشتن زمان و تسلط بر آن یا گذشتن از آن ، در اداره ی امور و اتفاقات دخل و تصرف می شود. هری پاتر به مرحله ی خلع بدن می رسد و در یک زمان در دو مکان حضور می یابد. او از زمان حال به گذشته می رود و در جای خود حضور دارد ، به خودش کمک می کند. جالب آن که وجود در حال او بر وجود در گذشته اش احاطه دارد ولی وجود در گذشته اش هیچ درکی و شناختی نسبت به آینده اش ندارد. استفاده از نور در هری پاتر ، جای بررسی دارد. هر جادویی همراه با نور می باشد. هری در اوج مشکلات و تهدیدها با نور همراه می شود و هاله ای از نور او را فرا می گیرد. پیوند دادن سحر و جادو با نور ، یکی دیگر از انحرافات فلسفی این مجموعه می باشد. نور از مقولات رحمانی و الهی می باشد و سحر و جادو از موضوعات ظلمانی و شیطانی. همان طور که در قرآن می فرماید « نور السموات و الارض » چگونه ممکن است یک امر رحمانی و الهی مثل نور با یک پدیده ی ظلمانی مثل سحر و جادو با هم جمع شوند؟! هر جا نور باشد ظلمت نیست و هر جا ظلمت باشد ، نور نیست. ظلمت یعنی عدم نور. در واقع در هری پاتر جمع ضدین را نشان می دهد. این که منجی در هری پاتر ، به تنهایی نمی تواند در مقابل مشکلات پیروز شود و حتماً نیاز به امدادهای دیگران دارد ، قابل توجه است. حوزه ی توانایی که برای منجی تعریف می گردد ، در چه حد می باشد ؟!

## هری پاتر و جام آتش :

در قسمت چهارم هری پاتر ، داستان وارد مرحله ی جدیدی می شود. داستان تا این زمان محدود به مدرسه ی جادوگری و انگلستان می شد ، اما از این پس جنبه ی بین المللی پیدا می کند. با برگزاری جام جهانی کوییدیچ یا همان فوتبال جادوگران ، جادوگران مدارس دیگر از کشورهای مختلف با ملیت های گوناگون در آن شرکت می کنند.

می توان گفت از غالب نژادها و تمدن ها ، نمایندگانی در این قسمت حضور دارند. در واقع در این مرحله ، جادوگری ، سحر و خرافه ، امری بین المللی و جهانی معرفی می گردد که در تمام کشورهای جهان به شکل سازمان یافته و مشخص در حال آموزش و ترویج می باشد. وارد شدن هری پاتر به عرصه ی جهانی ، درگیر نمودن روابط بین المللی و جهانی به مقولات سحر و جادو و خرافه و شرک می باشد. در این قسمت کم کم مباحث جنسی وارد ارتباطات داستان می شود. موضوعاتی مثل: رقص گروهی ، موسیقی غربی ، مهمانی های فراماسونری ، رابطه های جنسی ، ایجاد ذهنیت سکس در مخاطب ، فرهنگ برهنگی و هرزگی ، الهام گرفتن در خواب و ... در این قسمت به طور جدی و علنی مطرح می گردد .

در واقع رسالت هری پاتر در فرهنگ سازی جهان ، از این قسمت علنی تر می شود. هری در این قسمت بدون آن که بخواهد و شرایط آن را داشته باشد ، در مسابقه قرار می گیرد و به عنوان فرد برتر انتخاب می گردد. هدایت ناخواسته ی هری به عنوان منجی جادوگران ، از نکاتی است که در باب منجی گرایی و شخصیت پردازی منجی در غرب باید به آن توجه نمود. این که منجی به انتخاب خود رسالتش را انجام نمی دهد و بدون داشتن شرایط ، ناخواسته به انجام مسئولیتی گماشته می شود ، جای تأمل دارد.

این منجی بدون آن که بداند ، چرا و به چه هدفی انتخاب گردیده ، وارد مسابقه ای می شود و در انتها رسالتش را انجام می دهد. در داستان هری پاتر ، تمام مراحل مبارزاتش ، او از عوالم مختلف عبور می کند و با تسلط بر زمان وارد مراحل مختلف می شود. وارد شدن به عوالم مختلف غیبی و ماورائی چگونه امکان پذیراست؟ آیا با تسلط بر زمان می توان به این عوالم ورود نمود؟ آیا تنها شرط تسلط بر غیب ، تسلط بر زمان همراه با جادوست؟ ایجاد این ذهنیت در مخاطب یکی دیگر از انحرافات می باشد که در هری پاتر ایجاد می گردد. انحراف در امکان ورود به عالم غیب به واسطه ی تسلط بر زمان .

قدرت گرفتن مرحله به مرحله ی جادوگر شرور در قسمت های مختلف ، در قسمت چهارم به جایی می رسد که جادوگر شرور می تواند برای خود جسم مستقل ایجاد نماید و با استفاده از خون هری پاتر یا همان منجی ، جسم خود را کامل نماید. توجه به نقش خون منجی در قدرت گرفتن محور شرارت ، قابل تأمل می باشد. قدرت گرفتن روز به روز جادوگر شرور و جبهه ی شر ، قابل بررسی می باشد. آیا جبهه ی شر و باطل در حال قدرت گرفتن می باشد؟ آیا هیچ چیزی نمی تواند در مقابل این افزایش قدرت بایستد؟ آیا حوزه ی عمل و اختیار جبهه ی شرارت به قدری است که بتواند به طور نامحدود ، قدرت پیدا کند و جهان را به آشوب بکشاند؟ آیا هری پاتر به عنوان منجی ، تمام جادوگران و اساتید جادوگری ، وزارت جادوگری ، جادوگران بین المللی و ... هیچ کدام قدرت مقابله با جادوگر شرور را ندارند؟ خدا در این تقابل بین شر و حق کجاست؟

آنچه در هری پاتر نشان داده می شود ، عدم محدودیت جبهه ی باطل و شر در قدرت یابی و اعمال شرارت می باشد.

با این نگاه، این تفکر به مخاطب القاء می شود که در عالم واقع، جبهه ی باطل به رهبری شیطان، دارای قدرت نامحدود می باشد و در حال افزایش قدرت و سیطره ی جهانی خود است.

این که مردم جهان بپذیرند که شیطان دارای قدرت فراوانی می باشد و توانایی سیطره بر جهان را دارد و نیروهای حق در مقابل آن ضعیف هستند، دقیقاً هدف شیطان می باشد. شیطان تلاش دارد به اشکال گوناگون، بشر را بترساند، تا با آن ترس، ایمان انسان ها را از بین ببرد. همان گونه که خداوند در قرآن می فرماید: شیطان شما را از فقر می ترساند. (۱۰)

القاء ترس یکی از روش های شیطان می باشد. ترس از هر چیزی غیر خداوند یکی از اهداف شیطان می باشد. به گفته ی مولا علی علیه السلام بزرگ ترین گناه ترس است. این به معنای این است که ترس ریشه ی بسیاری از گناهان و دوری از خدا می باشد. کسی که به ترس از غیر خداوند اعتقاد داشته باشد، در تدبیر، حکمت، علم، قدرت و رحمانیت خدا، شک دارد و خود را تحت مدیریت تربیت و هدایت خدا نمی داند. فرد با پذیرش این نظر که خداوند از حال بندگان غافل است و آنها را رها نموده و نسبت به مشکلات آنها بی تفاوت می باشد، از رویارویی با مشکلات و سختی ها و حوادث، خواهد ترسید. ترس ریشه در نگاه شرک آلود به ذات الهی و صفات و افعال خداوند دارد به همین دلیل ترس را بزرگ ترین گناه دانسته اند. در این حال یکی از تلاش های شیطان این است که مردم را نسبت به همه چیز بترساند.

ترس از آینده، ترس از تأمین معاش، ترس از ازدواج، ترس از گرسنگی، ترس از آبرو ... هزاران ترس که به روش های گوناگون به بشر القاء می شود. ترس علمی است که شیطان در مقابل توکل به خداوند بلند نموده است. انسان ها به خاطر این ترس ها و برای فرار از این ترس ها، به دام های دیگر شیطان گرفتار می شوند و اسیر بندهای دنیایی می گردند. ترس از تأمین معاش و آبرو باعث می شود به تجمل گرایی روی آوریم، برای ایجاد تجمل به درآمد بیشتر نیاز داریم، برای درآمد بیشتر به دروغ، ربا، سود بیشتر، حق الناس و ... مبتلا می شویم. برای رهایی از این مشکلات، گرفتاری های دیگر پدید می آوریم، تا در نهایت آنقدر غرق دنیا و گناه می شویم که امکان رهایی برایمان نیست.

ریشه ی تمام آنها ترس می باشد، به همین دلیل ترس را بزرگ ترین گناه گفته اند. آنچه که هری پاتر از ترس به مخاطب القاء می کند، قسمتی از سینمای وحشت می باشد که سال هاست در غرب شکل گرفته است. دلیل شکل گیری سینمای وحشت چه می تواند باشد؟ بشر امروز، چرا باید بترسد؟ القاء ترس چه هدفی دارد؟ آیا ترس برای هیجان است یا برای تجربه کردن ترس؟

در این قسمت، در نهایت هری پاتر به عنوان منجی بین المللی جادوگران خوب، با کمک امدادهای غیبی از طرف پدر و مادرش، از دست جادوگر شرور جان سالم به در می برد، ولی در نهایت از او شکست خورده و جامعه ی جادوگران در بحران شدیدی فرو می رود.

### **بخش سوم: پشت پرده ی هری پاتر:**

پروژه ی عظیم جهانی سازی غربی، سال هاست که در ابعاد و حوزه های مختلف در حال پیاده سازی می باشد. با نگاهی کلان به این موضوع، می توان ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی آن را بررسی نمود. لشکرکشی های نظامی در سی سال گذشته، کودتاهای مختلف سیاسی - اجتماعی مثل کودتاهای رنگی و مخملی، تحولات و جا به جایی ثروت و سرمایه در سطح کلان جهان در بیست سال گذشته، همه در قالب این طرح می باشند.



## تغییرات فرهنگی و گسترش احاطه ی فرهنگی غرب به وسیله ی ابزارهای رسانه ای ، همه با این هدف صورت می گیرد .

هری پاتر یک قطعه از پازل بزرگ غربی سازی فرهنگ جهان می باشد. استعمار برای حفظ سلطه ی خود بر جهان ، از روش ها و سیاست های مختلفی بهره می برد ، زمانی با روش استعمار کهن پیش می رفت ، بعد از آن استعمار نو پدید آمد و به روش دیگری سلطه ی خود را ادامه داد و در عصر حاضر با توجه به مقتضیات زمان و سطح تبدلات جوامع ، استعمار فرانو شکل گرفته است. استعمار فرانو ، راه دیگری برای تسلط بر کشورها می باشد و آن نفوذ در ملت هاست. شناخت ابعاد و روش های استعمار فرانو ، یکی از لازمه های انسان های آزاده ی امروز جهان می باشد . در جهت سلطه ی استعمار فرانو ، کانون های مختلفی درحال فعالیت می باشند، مثل: سازمان فراماسونری جهانی ، فمینیسم جهانی ، فعالان حقوق بشر غربی ، تشکیلات رسانه ای و تبلیغاتی غرب ، سازمان های بین المللی ، کشورهای صنعتی جهان ، کمیته ۳۰۰ ، تشکیلات جهانی بهائیت ، صهیونیسم جهانی ، لابی یهود که همگی در تلاش هستند تا سلطه ی جهانی یهود و صهیونیسم را رقم بزنند. یهود با سازماندهی کردن تشکیلات و نهادهای مختلف ، برای تسلط بر جهان ، هویت خود را در پشت آنها پنهان می کند ، تا در نهایت پادشاهی و حکومت جهان را به دست آورد .

امروز لازمه ی تغییر و تسلط برحکومت ها ، تسلط بر ملت هاست. یعنی یهود با تعریف پارامترهای شهروندی جهانی تمدن غرب و تبلیغ و اشاعه ی این پارامترها ، به وسیله ی سینما ، رسانه و ماهواره و ... ملت های جهان را تبدیل می کند به شهروند دهکده ی جهانی خود. شهروندانی که وابسته ی به اقتصاد ، سیاست ، تبلیغات و هدایت یهود خواهند بود. با این روش ، یهود بدون آن که نامی از او باشد ، به وسیله ی اهرم های اجرایی خود ، بر جهان حکومت خواهد کرد . مهم ترین پروژه در این سیاست ، ملت سازی می باشد. تبدیل ملت های مختلف جهان با فرهنگ ها و ادیان مختلف به یک ملت واحد و با فرهنگ واحد ، مهم ترین سیاست نظام سلطه در استعمار فرانو می باشد. پیاده کردن این سیاست به وسیله ی ابزارهایی مثل سینما ، ماهواره و سوپرستارهای فوتبال در حال انجام می باشد. مجموعه هایی مثل هری پاتر ، سربازان تحقق سیاست شوم یهود می باشند. سیاست هایی که در نهایت برای سلطه ی شیطان بر جهان ، طراحی شده است .

## بخش چهارم : جهان اسلام و ملت سازی هری پاتری :

هری پاتر به عنوان یکی از نقاب های گسترش لیبرال دموکراسی نظام استعمار فرانو می باشد ، که شناخت ابعاد مختلف این فرهنگ باعث می شود ، رسالت خود را در مقابل آن بهتر درک نماییم. تمدن لیبرال دموکراسی غربی ، به عنوان تمدن غالب بر جهان ، تلاش دارد تمام مبانی فکری بشر را بر اساس مبانی فکری خود شکل دهد و در این راه ، هر تمدن و فرهنگی که تولید کننده ی فکر و مبانی فکری باشد ، از بین می برد. درعصر حاضر نه تمدن کنفوسیوسی چین ، نه تمدن ارتودکسی روسیه و نه تمدن های دیگر هیچ کدام نمی توانند زایش تمدنی داشته و تبدیل به جزئی از تمدن غرب شده اند. تنها تمدنی که در مقابل غرب ایستاده است و قدرت تولید ، زایش و گسترش مبانی فکری ، اجتماعی ، نظام سازی و ملت سازی دارد ، تفکر اسلامی شیعی می باشد. نمونه ی این تقابل را در عرصه ی نظامی در جنگ ۳۳ روزه ی لبنان و جنگ ۲۲ روزه ی غزه که با الهام گیری از تفکر شیعی به پیروزی رسید ، می توان مشاهده نمود. استعمار فرانو این پتانسیل جهان تشیع را شناخته است و در تلاش می باشد که با روش های گوناگون مثل ناتوی فرهنگی ، تهدیدات نرم ، نیمه نرم ، فرقه سازی ، تهدیدات درون تمدنی و ... درمقابل این زایش و خیزش تفکر شیعی قرارگیرد ، جهان تشیع با شناخت مبانی فکری خود و صدور آن به عالم ، در مقابل هجوم تمدنی لیبرالیسم غرب خواهد ایستاد.



## بخش پنجم : نتیجه گیری

با نگاهی جامع به روند گسترش فرهنگ لیبرال دموکراسی غرب در سطح جهان ، می توان متوجه شد که هری پاتر ، مهره ی شطرنج این فرهنگ می باشد. هری پاتر با دریایی از خرافات و انحرافات در حوزه های مختلف با نگاه سحر و جادو ، تلاش دارد ، نگاهی سکولاریته از عالم غیب ، ماوراء ، و شهود به بشر امروزی ارائه دهد.

نیاز بشر امروز به درک بهتری از عالم غیرمادی، بستری است که می تواند زمینه ی رشد ایمان و شهود و اشراق عوالم غیب را برای تکمیل درک بشر از حقیقت ایجاد نماید. بشر پس از سال ها ، تجربه ی مکاتب مادی و الحادی ، نیاز فطری اش به سمت معنویت و غیب ایجاد گردیده است ، غرب با درک این نیاز تلاش دارد در مکتب لیبرال دموکراسی ، نسخه ی علاجی برای این نیاز ارائه دهد ، که همان سحر و جادو و خرافه می باشد .

شناخت صحیح از غیب و اشراق و تحلیل روش های غرب در تحریف مفاهیم الهی غیب ، باعث می شود بتوان از انحرافات امروزی بشر جلوگیری نمود و نیاز اصلی و فطری انسان را تأمین نمود .

## پی نوشت ها:

۱ - قرآن کریم - سوره ی زمر / ۱۷ و ۱۸

۲ - اشاراتی درباره ی لیبرالیسم در ایران - ص ۸ و ۹

۳ - قرآن کریم - سوره ی بقره - ۱۷۰

۴ - بحارالانوار - ۲/ ۷۹/۲۱۰

۵ - قرآن کریم - سوره ی کهف - ۱۸

۶ - بحارالانوار - ۱۴/ ۶۳/۲۱۱

۷ - قرآن کریم - اعراف / ۱۱

۸ - قرآن کریم - الرحمن / ۴۱

۹ - قرآن کریم - بقره / ۲۵۷

۱۰ - قرآن کریم - بقره / ۲۶۸

**منابع :**

- ۱ - قرآن کریم - ابوالفضل بهرام پور - نشر حر و سبحان - ۱۳۸۴
- ۲ - زرهانی - سید حسین - پل نامرئی از هنر به سیاست - نشر سوره - ۱۳۸۳
- ۳ - جان گری - لیبرالیزم - ترجمه ی علیرضا حسینی بهشتی - نشر وزارت امور خارجه - ۱۳۸۱
- ۴ - برژینسکی - زیبگنیو - انتخاب: رهبری جهانی یا سلطه ی جهانی - ترجمه لطف الله میثمی - نشر صمدیه - ۱۳۸۳
- ۵ - مؤسسه فرهنگی مطالعاتی ابرار - جنگ نرم - ۱۳۸۶
- ۶ - بناب - علی - عملکرد صهیونیزم نسبت به جهان اسلام - مؤسسه امام خمینی - ۱۳۸۵
- ۷ - عجاج نویهض - پروتکلهای دانشوران صهیون - ترجمه ی حمیدرضا شیخی - نشر آستان قدس - ۱۳۸۱
- ۸ - واعظی - حسن - استعمار فرانو ، جهانی سازی و انقلاب اسلامی - مؤسسه امام خمینی - ۱۳۸۶
- ۹ - زرشناس - شهریار - اشاراتی درباره ی لیبرالیسم در ایران - نشر کیهان - ۱۳۸۰
- ۱۰ - کلبه ی کرامت - دوره ی طرح ریزی استراتژیک

## معرفی بانک جامع اطلاعاتی صهیونیسم

این پایگاه فعالیت خود را در آخرین جمعه رمضان ۱۴۳۷ مصادف با روز جهانی قدس مورخ ۱۱/تیر/۱۳۹۵ آغاز نمود.

این وب سایت ، یک پایگاه علمی - پژوهشی در زمینه یهود ، صهیونیسم و اسرائیل می باشد.

بخش های مختلف بانک جامع اطلاعاتی صهیونیسم عبارتند از :

(۱) **شناخت جامع یهود ، صهیونیسم و اسرائیل :** اولین پست است و شامل عناوینی است که به ترتیب از تولد دین یهود تا تاریخچه صهیونیسم و ایجاد حکومت اسرائیل مرتب شده اند ، ذیل هر عنوان ، مطالبی جامع مشاهده خواهید کرد و این امر با کلیک بر روی عنوان مورد نظر میسر است . برای سهولت دسترسی به مطالب ذیل عناوین ، در فرصت های دیگر، لینک فایل PDF مطالب جلوی هر عنوان قرار داده شده است .

(۲) **بانک مقالات :** بانک مقالات این پایگاه از غنی ترین بانک های مجازی مقالات باموضوع تخصصی صهیونیسم می باشد. مقالات در بخش های ۱۲ تایی ارسال ، طبقه بندی و آرشیو می شوند. هر ماه یک بخش جدید یعنی ۱۲ مقاله به بانک اضافه می شود .

(۳) **کتابخانه :** کتابخانه شامل کتاب های با فرمت PDF در زمینه یهود ، صهیونیسم و اسرائیل می باشد . کتاب ها در بخش های ۶ تایی ارسال ، طبقه بندی و آرشیو می شوند .

[www.Zionism.blog.ir](http://www.Zionism.blog.ir)